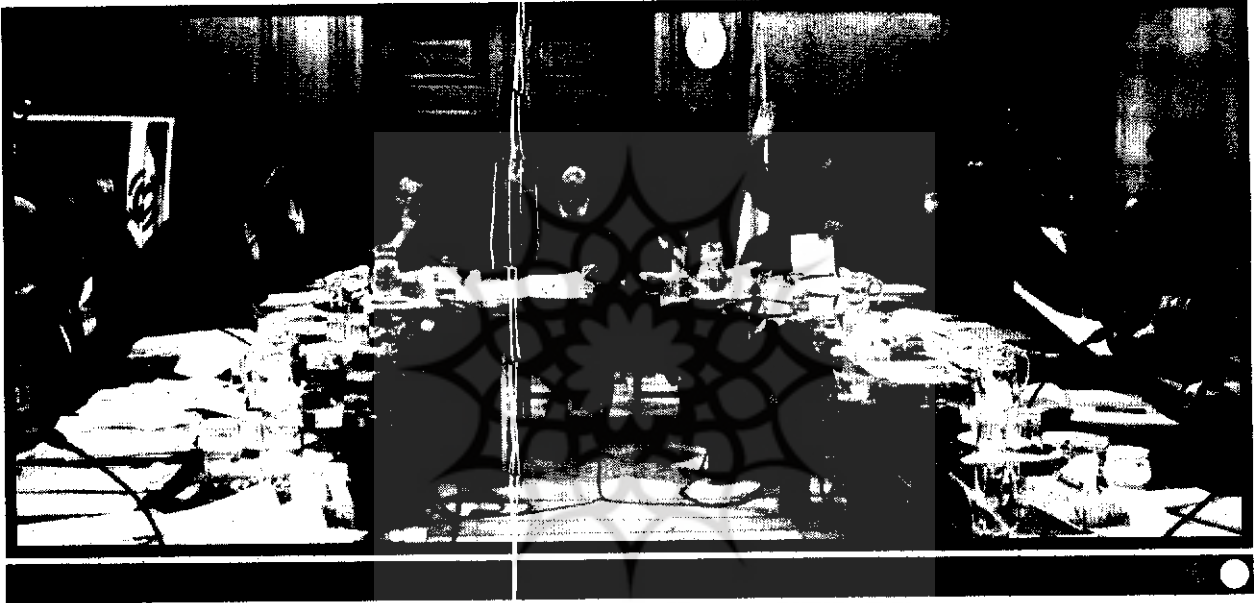


نو شورا در یک نگاه

عبد اسلامی
روزنامه نگار و کارشناس مسائل شهری



کاملاً درست، و منطقی بود و امید آن داشتند که مطالباتشان دست کم در حوزه مدیریت شهری و مسایل مربوط به آن پاسخ گفته شود اما نبود مدیریت واحد شهری و عدم تصریح به آن در قانون، نقض قانون شوراها و نامشخص بودن حیطه وظایف و عملکرد آن موجب شد تا شوراها در برخی شهرهای بزرگ با دولت دست، به گریبان شوند.

وزارت، کشور که خود بانی و مجری تشکیل شوراهای شهر و روستاست، اولین نهاد دولتی بود که اهداف و خواسته‌های خود را در تعارض با اهداف و خواسته‌های شوراها در شهرهای بزرگ دید و در واقع بخشی از مشکلات شوراها از اینجا آغاز شد.

تا پیش از تشکیل شوراها، شهرداری‌ها به عنوان بخشی از دستگاه‌های دولتی زیر نظر وزارت کشور اداره می‌شدند که منافع بسیاری برای وزارت کشور در پی داشت اما با تشکیل شوراهای شهر، شهرداری‌ها قانوناً و عملاً از نظارت وزارت کشور خارج شده و به عنوان دستگاه‌های عمومی زیرمجموعه شوراها قرار گرفتند. به این ترتیب دست وزارت کشور از منافع شهرداری‌ها

بدون شک تشکیل شوراهای اسلامی شهر و روستا پس از گذشت ۲۰ سال از عمر جمهوری اسلامی ایران، درخشانترین عنصر در کارنامه دولت سیدمحمد خاتمی، رئیس جمهوری به شمار می‌آید که اینک پس از تشکیل دومین دوره آن در سراسر کشور، رفته رفته به عنوان نهادی مردمی و دموکراتیک در دل جامعه ایران نهادینه می‌شود.

اگر چه خاتمی و همراهانش در پیشبرد اصلاحات نتوانستند دستاورد چشمگیری داشته باشند اما تشکیل شوراها در جهت نهادینه کردن مردمسالاری، کوچک کردن دولت و سپردن امور مردم به دست مردم، گام مهم و ارزشمندی است که کارنامه کاری دولت اصلاحات را بسنده می‌کند. تشکیل شوراها در کشوری که تجربه کار شورایی آن اندک بوده و از تعطیل آخرین انجمن‌های شهر تا تشکیل اولین شوراهای شهر ۲۰ سال فاصله زمانی همراه با دخالت دولت، در همه امور در تکامل این تجربه، وقفه ایجاد کرده با چالش‌های فراوانی همراه بود.

پس از تشکیل شوراها، برداشت مردم از این نهاد عمومی، برداشتن

از سوی دیگر با توجه به نبود مدیریت واحد شهری و توزیع وظایف مدیریت شهری در دستگاه‌های دولتی همچون مخابرات، آب و فاضلاب، برق و نیروی انتظامی مانعی برای تحقق کامل اهداف تشکیل شوراهای شهرها شد که پیامد آن رو در رویی تصمیمات و مصوبات شوراهای شهر با سازمان‌ها و دستگاه‌های دولتی بود که چالش‌های جدی را پیش روی دولت گذاشت.

به جز شوراهای اسلامی روستاها و شهرهای کوچک و چند شورای شهرهای بزرگ همچون مشهد، اصفهان و کاشان که تقریباً عملکرد خوب و مثبتی در دور اول شوراهای داشتند، مابقی شوراهای شهر در طول عمر خود، با چالش‌هایی چون تقابل با سازمان‌های دولتی و وزارت کشور، نبود ثبات مدیریت شهری و درگیری و جدل با شهرداران منتخب خود رو به رو شدند که در تهران و شهر بروجرد منجر به انحلال شورای شهر شد.

شورای اول شهر تهران

شاید در آغاز تشکیل شورای شهر تهران کسی باور نمی‌کرد شورایی که بیشتر اعضای آن در کارنامه کاری خود، وزارت، مدیریت کلان و نمایندگی مجلس شورا را داشته‌اند، کارش به انحلال بینجامد.

شورای شهر تهران با حضور چهره‌های شناخته شده و با سابقه‌ای چون عبدالله نوری، محمد غرضی، غلامرضا فروزش، محمد ابراهیم اصغرزاده، سعید حجاریان و محمد عطریانفر، در آغاز چهره قدرتمندی از خود به نمایش گذاشت و خیلی سریع مرکز توجه محافل سیاسی و مطبوعاتی شد.

در حالی که همه طیف‌های دوم خرداد و جناح راست در این شورا نماینده داشتند، اما با حضور و مدیریت عبدالله نوری که ریاست شورا را به عهده داشت، شورای اول شهر تهران توانست حرکت خوبی را آغاز کند و با نمایش حرکت‌ها و رفتارهای دموکراتیک همچون معرفی نامزدهای شهرداری تهران و انتخاب شهردار از بین نامزدها در شورا، آینده امیدبخشی را نوید می‌داد اما این حرکت‌ها در حد نمایش باقی ماند و شورای شهر تهران پس از بررسی برنامه‌های ۷۰ کاندیدای شهرداری تهران، در یک جلسه غیرعلنی با سفارش پدروخواندها مرتضی الویری را به عنوان شهردار تهران انتخاب کرد و تنها در یک جلسه علنی بدون بررسی برنامه‌های وی به یک رأی گیر نمایشی بسنده کرد که در نهایت الویری به اتفاق آرا شهردار تهران شد.

با نزدیک شدن زمان انتخابات مجلس ششم، عبدالله نوری، سیدمحمد

غرضی و جمیله کدیور برای نامزدی انتخابات مجلس، از شورا استعفا دادند که از میان این سه، تنها جمیله کدیور به مجلس شورا راه یافت. پس از این رویداد امیرحسین عابدینی، محمد حسن حقیقی و سیدمنصور رضوی که از اعضای علی‌البدل شورای شهر تهران بودند جایگزین نوری، غرضی و کدیور شدند. خروج عبدالله نوری از شورا با تشکیل جبهه مشارکت در طیف دوم خرداد همزمان شد. جبهه‌های متشکل از چهره‌های جوان اصلاحات که تولدش منجر به ایجاد شکاف و تفرقه در جبهه اصلاحات شده و دلخوری بسیاری از گروه‌های طیف دوم خرداد که به این جبهه راه نیافته بودند، را در پی داشت. اگر چه در صحنه کلان سیاست کشور، بزرگان و ریش‌سفیدان دوم خردادی مانع بروز اختلافات در جبهه اصلاحات می‌شدند اما نبود عبدالله نوری در شورای شهر تهران موجب شد تا زخم اختلافات جبهه دوم خرداد در صحن شورای شهر تهران سرباز کند به گونه‌ای که سعید حجاریان - تئوریسین دوم خرداد - که حالا نقش بزرگتر را به جای عبدالله نوری در شورا بازی می‌کرد، نتوانست خاکستر اختلافات را خاموش نگه دارد.

حالا ۴ طیف فکری شامل طیف کارگزاران به رهبری محمد عطریانفر، چپ‌های رادیکال به رهبری محمد ابراهیم اصغرزاده، مشارکت به رهبری سعید حجاریان و طیف یک نفره عباس دوزدوزانی عضو همیشه مخالف و ناراضی شورای شهر تهران جنگ تازه‌ای را بر سر منافع شخصی و گروهی آغاز کرده بودند.

این جنگ، طرف دیگری هم داشت؛ مرتضی الویری شهردار تهران موضوع اصلی جنگ اعضای شورا بود. جنگی که نتیجه آن دوبار تغییر ریاست شورا، بی‌ثباتی مدیریت شهری و خوابیدن پروژه‌های شهری بود. طیف رادیکال شورا با فشارهای فراوانی از طریق مطبوعات، ابستراکسیون جلسات و چانه‌زنی‌های جلسات غیرعلنی توانست مرتضی الویری را پس از دو سال از کار برکنار کند اما با زیرکی محمد عطریانفر، چهارمین رئیس شورای شهر و پیشنهاد سعید حجاریان، تن به انتخاب محمد حسن ملک مدنی شهردار پیشین اصفهان به عنوان شهردار تهران داد.

اگر الویری از شورا تا حدودی حساب می‌برد و سعی می‌کرد همه اعضای شورا را راضی نگه دارد اما ملک مدنی از جنس مقاوم‌تری بود. او بارها در جمع خبرنگاران گفت که حاضر نیست به اعضای شورا و وزارت کشور باج بدهد. ملک مدنی در نخستین اقدام برای نجات شهر تهران، با موافقت همه اعضا دستور به توقف فروش تراکم داد. توقف فروش تراکم همان چیزی بود



که بیشتر اعضای شورا به ویژه گروه رادیکال شورا به دنبال آن بودند اما الویری نخستین شهردار منتخب شورا به دلیل ناتوانی در جلوگیری از فروش بی‌رویه تراکم برکنار شد.

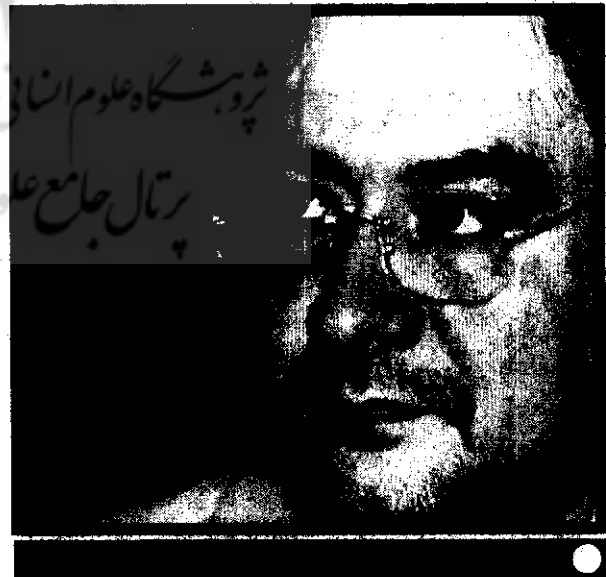
هنگامی که اعضای رادیکال شورا، برنامه‌های ملک را در سمت و سوی منافع خود ندیدند و از مواهب شهرداری تهران بی‌بهره ماندند، ساز مخالف آنها به صدا درآمد. اگر با الویری به خاطر فروش بی‌رویه تراکم مخالف بودند حالا بهانه مخالفت آنها یا ملک مدنی، توقف فروش تراکم بود به ویژه این که پروژه‌های ساختمانی برخی از اعضای شورا بلا تکلیف مانده بود.

از سوی دیگر وزارت کشور هم به خاطر تعطیلی کمیسیون ماده ۱۰۰ از سوی ملک مدنی و محاسبه جریمه بیش از هزار متر تخلف ساختمانی برادر وزیر کشور در منطقه ۴ با نرخ متری ۵۰۰ هزار تومان، به جمع دشمنان ملک مدنی پیوست. حضور محمد عطریانفر و سید محمود علیزاده طباطبایی به عنوان مدافعان ملک در شورا و حمایت برادر و رئیس دفتر رئیس جمهور از ملک مدنی موجب شد تا مخالفان ملک نتوانند به او آسیب جدی برسانند. در این شرایط تعداد مخالفان و موافقان ملک مدنی در شورای شهر تا حدودی برابر بود. مخالفان ملک مدنی در شورا با استفاده از احساسات شهروندانی که از توقف فروش تراکم متضرر شده بودند و حمایت گروهی از دست‌اندرکاران ساخت و ساز که پشت سد قوانین تازه‌گیر افتاده بودند، حملات شدیدی را علیه ملک مدنی آغاز کردند.

شایعه اعتیاد ملک مدنی مهم‌ترین دستاویز آنها برای پیشبرد برنامه برکناری ملک مدنی بود اما هر گاه که قرار بود در جلسات علنی درباره شهردار تهران تصمیم‌گیری شود، این بار گروه کارگزاران شورا که موافقان ملک مدنی بودند، برای خنثی‌سازی اقدامات مخالفان، دست به آبستراکسیون و ترک جلسات می‌زدند.

در نهایت وزارت کشور که شورای شهر را از برکناری ملک مدنی ناتوان می‌دید، وارد بازی شده و پرونده اختلاف شورای شهر و شهردار تهران را به هیأت حل اختلاف استان تهران و از آنجا به هیأت عالی حل اختلاف برد و بازی را تا جایی ادامه داد که توانست شورای شهر تهران را متحل کند.

پس از انحلال شورای شهر تهران، وزیر کشور که قائم مقام قانونی شورای شهر تهران محسوب می‌شد، طی حکمی ملک مدنی را از شهرداری



تهران برکنار و محمد حسن مقیمی، معاون فنی عمرانی خود را با حفظ سمت به عنوان سرپرست موقت شهرداری تهران انتخاب کرد.

در یک نگاه، اگر به دنبال ویژگی‌هایی برای شورای اول شهر تهران باشیم، باید گفت جنجال و کشمکش، بی‌ثباتی مدیریت شهری و تغییر مدیران، توقف پروژه‌های عمرانی و به طور کلی تعطیلی شهر، غیبت بیش از حد اعضا در جلسات، برتری تعداد جلسات غیر علنی نسبت به جلسات علنی برگزار شده آبستراکسیون‌های بی‌در پی و تعطیلی جلسات، ترجیح کارهای شخصی برخی اعضا به مسایل مردم در شورا (برای نمونه یکی از اعضا، نزدیک به یکسال برای فرصت مطالعاتی در انگلستان به سر می‌برد) درگیری و رودرروی با دولت به‌ویژه وزارت کشور، اختلافات درونی میان اعضای شورا و در نهایت تصویب قوانین بی‌نتیجه از ویژگی‌های شورای اول شهر تهران بود. شورایی که کارش نتیجه‌ای جز سردرگمی و دلسردی شهروندان تهرانی از شورا و کار شورایی در پی نداشت، تمام آنچه که گفته شد موجب شد تا طرفداران گروه‌های دوم خرداد دست به تنبیه گروه‌های مورد علاقه خود بزنند و با خودداری از حضور در انتخابات دوم شوراهای شهر و روستا، ناامیدی، دلسردی و دلخوری خود را از اصلاح‌طلبان اعلام کنند که در نتیجه گروه تازه‌واردی به نام "آبادگران ایران اسلامی" که عموماً چهره‌های ناشناس ولی دارای تجربه فنی و مهندسی و دانش بودند، توانست ۱۴ کرسی شورای شهر تهران را در اختیار بگیرد.

یکسال طلایی برای مردان بی‌ادعا

هنگامی که گروه آبادگران با پوستر تبلیغاتی خود که با یک عکس دسته‌جمعی که فضایی صمیمانه و خودمانی را به نمایش می‌گذاشت، وارد

و کم‌اهمیت را مورد بررسی قرار دادند اما رفته رفته نبض سازندگی شهر را در دست گرفته و پویایی و نشاط را به شهر بازگرداندند.

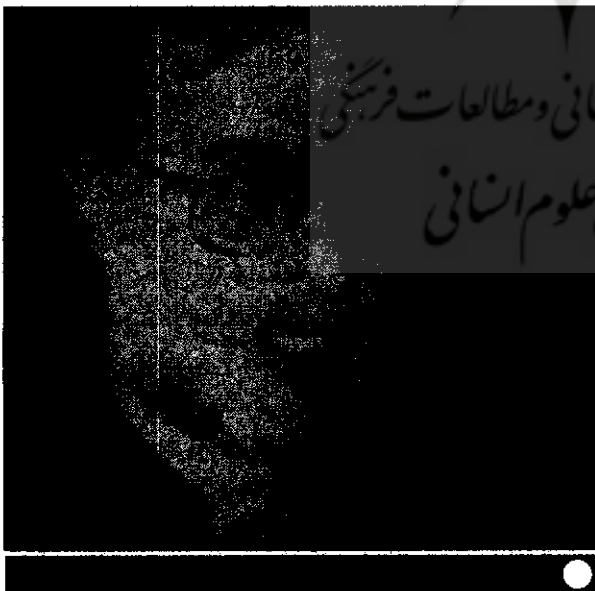
ترمیم چاله‌چوله‌های تهران و آسفالت بیشتر خیابان‌ها، اصلاح هندسی معابر، روان‌سازی ترافیک، پاسخگویی درست به شهروندان، رفع مشکل شهروندانی که از زمان ملک مدنی به خاطر توقف فروش تراکم با مشکل مواجه شده بودند، راه‌اندازی و تکمیل سریع پروژه‌های نیمه‌تمام و آغاز پروژه‌های جدید عمرانی از جمله فعالیت‌های آنها طی یکسال کار است. فعالیت‌هایی که انجام هر کدام از آنها در عمر شورای اول شهر تهران میسر نشده بود.

هر چند برخی مطبوعات فعالیت گسترده و همه‌جانبه‌ای را برای ناکام جلوه‌دادن شورای دوم آغاز کرده بودند اما اعضای شورا با سعه صدر، به کار خود ادامه دادند به طوری که تکیه بر اصولی چون مردم‌گرایی و پاسخگویی شفاف موجب محبوبیت روزافزون آنها در بین مردم شد تا جایی که وزارت اطلاعات طی گزارشی به رییس جمهور از رضایت ۷۰ درصدی مردم تهران نسبت به عملکرد شورای دوم شهر تهران خبر داد.

اعضای شورای جدید اگر چه از مصاحبه‌های بی‌مورد با مطبوعات خودداری می‌کنند اما رابطه خوبی را با مطبوعات موافق و مخالف برقرار کرده و حتی حاضر شدند با برگزاری جشنواره‌ای از بهترین نقدهایی که در مطبوعات برای شورا و شهرداری نوشته شده تقدیر کنند.

آرامش، نظم و حضور همیشگی در شورا و جلسات شورا، برنامه‌ریزی نسبتاً دقیق، یکصدایی و کم‌گویی و عمرگرایی و پاسخگویی و رفتار صادقانه با مردم را می‌توان از ویژگی‌های شورای دوم شهر تهران بر شمرد.

شورای دوم شهر تهران نیز اگرچه از دو طیف شامل طیف حسن بیادی و طیف واعظ آشتیانی برخوردار است اما این شورا با عملی کردن شعار اختلاف سلیقه و اشتراک هدف توانسته اختلافات درونی خود را سرپوشیده و جزیی نگه دارد. شورای دوم شهر تهران برخلاف شورای اول، اختلافات اساسی خود را در جلسات غیرعلنی بررسی می‌کند و پس از رسیدن به یک نتیجه مشترک، در جلسات علنی چهره‌ای واحد را به نمایش می‌گذارد، هر چند که بیشتر آنها به اختلاف سلیقه احترام می‌گذارند و وجود آن را لازم و ضروری می‌دانند.



عرصه تبلیغات انتخابات شوراها شد، کسی تصور نمی‌کرد که آنان بتوانند به شورای شهر تهران راه یابند.

راه‌یابی کامل گروه آبادگران به شورا، ضربه سنگینی به گروه‌های دوم خرداد به ویژه گروه مشارکت بود که پس از انتخابات مجلس ششم خود را یکه‌تاز عرصه سیاسی کشور می‌دانست و حاضر نبود هم‌پالودگی دیگر گروه‌های دوم خرداد باشد و آنان را واداشت تا به نخستین شکست تن دهند. شکستی که مقدمه‌ای برای شکست‌های بزرگتر و پایان‌دادن به یکه‌تازی‌های مشارکتی‌ها بود. وزارت کشور

و سرپرست موقت شهرداری تهران با مشاهده راه‌یابی آبادگران به شورا تلاش گسترده‌ای را برای خارج کردن سازمان‌ها و شرکت‌های سودده از زیرمجموعه شهرداری آغاز کردند. از سوی دیگر وظایف جدیدی را که مجلس از دولت گرفته و به شوراها و

شهرداری‌ها محول کرده بود، در تهران به استناداری تهران محول کردند تا بتوانند کار شورای جدید را محدود کنند.

اما اعضای شورای دوم شهر تهران، پیش از تشکیل رسمی شورای دوم در ۹ اردیبهشت ۸۲، با تشکیل جلسات خانگی شروع به برنامه‌ریزی، سازماندهی و تقسیم کار کردند و شهردار خود را نیز برگزیدند.

آنها با شروع کار رسمی اگر چه در چند جلسه اول، دستورات غیرضرور